Original Article Open Access



Child Rights Journal

2024; 5(20): 1-16

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

The Cloned Child in Iranian and International Law

Seyyed Mohammad Keykavosi[1], Arefeh Feizi Aqdas[2], Zohreh Nik Farjam[2], Maral Jafari Ghazi Jahani[2]

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law and member of the Young Researchers Club, Javan Imam Khomeini (RA) Shahr Ray Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law Department, Yadegar Imam Khomeini (RA) Branch, Shahr-e Ray, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Today, in parallel with the emergence of new human technologies, new challenges have arisen for various legal, medical, social, etc. fields. Among the emerging phenomena is the issue of cloned children, which is increasing with the policy of increasing birth rates in low-population societies or with the desire of couples incapable of having children to reproduce. Since the phenomenon of child cloning is not unprecedented, many of its consequences in various fields require prediction and preparation of solutions and responses; including whether cloning is acceptable in terms of legal rules or not? And assuming acceptance, to whom is the issue of the origin and lineage of the cloned child attributed and who is responsible for his rights? The present study seeks to answer this important question using a descriptive-analytical method and, by utilizing medical data, tries to find the opinion of domestic and international legal rules in this field.

Method: The present writing has collected, described and analyzed research findings and data related to the subject using a library method.

Results: It seems that cloning is done through various methods such as artificial insemination, embryo donation, surrogate uterus, etc., each of which has a different ruling from the point of view of jurists and legislators. Also, the attitude of Iranian law to the famous jurisprudential opinion, the method of production, since the paternal guardianship is not assigned to anyone, the assignment of the child to the owners of the cells is not recognized, while international law, especially in European countries such as England, France and Germany, has accepted and formalized the guardianship of the cloned child.

Conclusion: Therefore, given the increase in cloned embryos in today's society, the issue requires review and development of legal channels.

Keywords: Child; Cloning; Lineage; Iranian Law; International Law

Corresponding Author: Seyyed Mohammad Keykavosi; **Email:** mohammadkeykavosi@yahoo.com

Received: July 08, 2023; **Accepted:** October 17, 2023

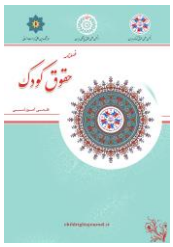
Please cite this article as:

Keykavosi SM. Nikfarjam Z. Feizi aghdas A. Jafari ghazi Jahani M. Cloned Child in Iranian and International Law. Child Rights Journal. 2024; 5(20): 1-16.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره پنجم، شماره بیستم، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۱۶-۱

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

کودک شبیه‌سازی‌شده در حقوق ایران و حقوق بین‌المللی

سیدمحمد کیکاوسی[۱*]، زهره نیک‌فرجام[۲]، عارفه فیضی اقدس[۲]، مارال جعفری قاضی جهانی[۲]

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امروزه به موازات پیدایش تکنولوژی‌های نوین بشری، چالش‌های جدیدی برای حوزه‌های گوناگون حقوقی، پزشکی، اجتماعی و... به وجود آمده است. از جمله پدیده‌های نوظهور، موضوع کودک شبیه‌سازی شده است که با سیاست افزایش توالید در جوامع کم‌جمعیت و یا با تمایل زوجین ناتوان از فرزندآوری به تولید مثل، رو به افزایش است. از آنجا که پدیده شبیه‌سازی کودک مسبوق به سابقه نبوده، بسیاری از پیامدهای ناشی از آن در حوزه‌های گوناگون نیازمند پیش‌بینی و تدارک راه حل و پاسخ است، از جمله اینکه آیا شبیه‌سازی از نظر قواحد حقوقی قابل پذیرش است یا خیر؟ و بر فرض پذیرش، موضوع اصل و نسب کودک شبیه‌سازی‌شده به چه کسی منتسب بوده و حقوق او بر عهده چه کسی است؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی ـ تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش مهم است و با بهره‌مندی از داده‌های پزشکی، می‌کوشد که نظر قواعد حقوقی داخلی و بین‌المللی را در این زمینه بیابد.

روش: نگارش حاضر به روش کتابخانه‌ای، یافته‌ها و داده‌های پژوهشی مرتبط با موضوع را گردآوری، توصیف و تحلیل نموده است.

یافته‌ها: به نظر می‌رسد که شبیه‌سازی به روش‌های متعددی مانند لقاح مصنوعی، اهدای جنین، رحم جایگزین و... صورت می‌پذیرد که هر یک دارای حکم متفاوتی از نظر حقوقدانان و قانونگذار دارد. همچنین نگرش حقوق ایران به تأسی از رأی مشهور فقهی، روش تولیدی، از آن جهت که ولایت پدری به کسی واگذار نشده، انتساب کودک به صاحبان سلول به رسمیت شناخته نمی‌شود، در حالی که حقوق بین‌المللی به ویژه در کشورهای اروپایی مانند انگلستان، فرانسه و آلمان، ولایت کودک شبیه‌سازی‌شده را پذیرفته و رسمی نموده است.

نتیجه‌گیری: لذا با توجه به افزایش جنین شبیه‌سازی در جامعه کنونی، موضوع نیازمند بازبینی و تدوین مجاری قانونی است.

واژگان کلیدی: کودک؛ شبیه‌سازی؛ اصل و نسب؛ حقوق ایران؛ حقوق بین‌الملل

نویسنده مسئول: سیدمحمد کیکاوسی؛ **پست الکترونیک:** mohammadkeykavosi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Keykavosi SM. Nikfarjam Z. Feizi aghdas A. Jafari ghazi Jahani M. Cloned Child in Iranian and International Law. Child Rights Journal. 2024; 5(20): 1-16.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

شبیه‌سازی به قرن بیستم بازمی‌گردد که نخستین‌بار در مورد گیاهان و پس از آن در مورد حیوانات و در نهایت در مورد انسان محقق گردید. امروزه یکی از مسائلی که بسیار مورد بحث و بررسی اندیشمندان حوزه‌های گوناگون قرار گرفته است و همچنان میان حقوقدانان در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل محل اختلاف نظر است، چراکه موضوع شبیه‌سازی و ارتباط و آثار آن بر حقوق بشر، نسب و کرامت و آزادی‌های انسان است، اگرچه بسیاری از اندیشمندان علم حقوق، شبیه‌سازی انسان را زاییده نیاز روز و جایز دانسته و در مقابل، گروهی به زعم خود، به دلیل پیامدهای لاینحل حقوقی به مسأله تردید آمیز نگریسته‌اند (۲-۱)، البته اختلاف آرای حقوقدانان ایران، ناشی از تفاوت نگرش‌های فقهی ناظر به مسأله است، چنانچه برخی از فقهیان شیعه بر این باورند که بنا به قاعده فقهی حلیّت، اصالتاً و به صورت مطلق، شبیه‌سازی انسان جایز است (۵-۳)، اما برخی دیگر چه اینکه قائل به حرمت اولی یا ثانویه مسأله باشند، آن را از نظر شریعت اسلام مردود می‌دانند (۶). فقیهان اهل سنت نیز بر همین عقیده، شبیه‌سازی انسانی را غیر مشروع و نابخشودنی اعلام نموده اند (۹-۷)، اما صرف نظر از جواز یا عدم جواز آن، با توجه به پیامدهای شبیه‌سازی بر حقوق فردی و اجتماعی افراد، واکاوی موضوع ضروری به نظر می‌رسد، زیرا جهان به طور مداوم در حال تغییر است و حوزه دین در وهله نخست و نظام حقوقی در مرتبه بعدی، باید پاسخگوی پدیده‌های روز باشند و بینش اجتماعی را اقناع نماید.

شبیه‌سازی، پرسش‌های جدیدی را در زمینه‌های مختلف مانند حقوق، اخلاق، علوم اجتماعی و الهیات مطرح می‌کند و تأثیر آن نیاز به ارزیابی دارد. با ورود شبیه‌سازی به عنوان یک فناوری جدید فرزندآوری و تولید مثل به حوزه حقوق خانواده، هر نظام حقوقی را برمی‌تابد تا مسائل اساسی آن را پردازش نموده و ابهامات موجود را پاسخ داده و روشن سازد.

شبیه‌سازی تولید مثل انسان به عنوان یک روش پزشکی شناخته شده است که برای غلبه بر ناباروری در آینده طراحی شده است، بنابراین ضروری است که ایده شبیه‌سازی تولید مثلی پیش‌فرض قرار گیرد. از این رو تنها پس از روشن‌شدن مفاهیم دیدگاه تولید مثلی، می‌توان به آن پرداخت و نسبت به معنای والدین‌بودن در عصر شبیه‌سازی به درک بهتری دست یافت. مواردی مانند اصل و نسب و حقوق کودکان شبیه‌سازی‌شده، مسائل حائز اهمیتی هستند که باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. پژوهش حاضر، ضمن بررسی شبیه‌سازی در حقوق ایران ـ با نگاهی گذرا به آرای فقهی ـ و حقوق بین‌الملل و ارتباط آن با اخلاق و حقوق بشر و کرامت و آزادی‌های انسان، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که آیا شبیه‌سازی، اعم از درمانی و تولیدی در حقوق بین‌الملل قابل پذیرش است یا خیر؟ و ضمناً نسب افرادی که از تلقیح ناهمگن و شبیه‌سازی استفاده می‌نمایند، به چه شخصی منتسب خواهد بود؟

به نظر می‌رسد شبیه‌سازی تولیدی در نهادهای بین‌المللی با مخالفت‌هایی همراه باشد، هرچند در پذیرش نوع درمانی، با رعایت شرایطی اتخاذ تصمیم شده است، اما در مسأله نسب، انتساب فرزند حاصل از شبیه‌سازی به پدر و مادر صاحب سلول بوده و او همانند سایر فرزندان، از آثار حقوقی نسب مانند حرمت نکاح، حضانت، ولایت، الزام به اتفاق، توارث و وصیت برخوردار است. با توجه به ابهام‌ها و اختلاف‌نظرهای گسترده فقهی و خلأ قانونی در خصوص قائل‌شدن نسب برای کودک حاصل از شبیه‌سازی و تبیین حقوق مترتب بر آن، به نظر می‌رسد این جنبه مهم، به تبادل نظر و بررسی بیشتر علمای دینی و حقوقدانان نیاز

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

داشته باشد، لذا انتظار می‌رود که رسالت اصلی فقها و حقوق، اتخاذ تصمیمات قضایی در مورد مسائل جدید باشد و این امر با استفاده از مبانی دینی که ریشه در نیازهای فردی و اجتماعی دارد، امکان‌پذیر خواهد بود. همان‌گونه که شبیه‌سازی، پرسش‌های جدیدی را در زمینه‌های مختلف مانند حقوق، اخلاق، علوم اجتماعی و الهیات مطرح می‌کند و میزان تأثیرگذاری آن در حقوق فردی و اجتماعی نیازمند ارزیابی‌های افزون‌تر است.

۱. مفهوم‌شناسی و پیشینه پژوهش: شبیه‌سازی از کلمه یونانی «Clone» به معنای جوانه‌زدن و ترکه چوب گرفته شده است و در لغت به معنای بریدن، تکثیرکردن و قلمه‌زدن است، البته مفهوم شبیه‌سازی در مورد موجودات تک‌سلولی، گیاهان، حیوانات و انسان نیز صدق می‌کند (۱۱-۱۰). از این رو لغت‌شناسان معاصر، شبیه‌سازی به معنای تولید نسخه‌ای مطابق با اصل گرفته و در اصطلاح رایج پزشکی، آن را به معنای تولید نسخه‌ای مطابق اصل از انسان، بدون نیاز به تلقیح سلول‌های جنسی مذکر یا مونث آمده، دانسته‌اند (۱۲) و در اصطلاح شبیه‌سازی عبارت است از فرآیند تولید غیر جنسی گروهی از سلول‌ها، مولکول‌ها و موجودات زنده که همگی از نظر ژنتیکی مشابه بنیادی مشترک باشند؛ درواقع کلونینگ به معنای تولید مثل و ایجاد موجودی مشابه نسخه اصلی به طریقه غیر جنسی می‌باشد (۱۳).

احتمال شبیه‌سازی انسان در قرن بیستم میلادی، موضوع حدس و گمان بود و دانشمندان و سیاستگذاران در سال ۱۹۶۹، شروع به جدی‌گرفتن این چشم‌انداز کردند. «جان هالدین (John Haldane)» نخستین کسی بود که ایده شبیه‌سازی انسان را معرفی کرد و برای آن از اصطلاحات «کلون» و «کلونینگ» استفاده کرد. خواهر و برادرهای کلون‌شده، تنها می‌توانند متأثر از جنس اهداکننده، همگی از جنس همگون (زن یا مذکر) باشند (۱۴). مونوزیگوت‌ها (Monozygotes)، یعنی دوقلوها یا خواهر و برادرهای متعددی که از یک سلول تخم بارور شده منفرد، به وجود می‌آیند، کلون‌های انسانی در نظر گرفته می‌شوند که خود طبیعت آن‌ها را ایجاد می‌کند، اگرچه بسیار نادر است (۱۴).

شبیه‌سازی، نخستین‌بار در سال ۱۹۹۶ توسط دانشمندان اسکاتلندی در موسسه روسلین (Russlyn Institute) انجام گرفت که طی آن گوسفندی به نام «دالی» توسط انتقال هسته سلولی سوماتیک (SCNT) به وجود آمد و از آن پس، ایده شبیه‌سازی انسان به مسأله‌ای بحث‌برانگیز تبدیل شد. بسیاری از کشورها آن را غیر قانونی اعلام کردند، در حالی که چند دانشمند برای ساختن یک کلون را در چند سال اعلام آمادگی کردند و سرانجام در نوامبر ۱۹۹۸ نخستین کلون انسان دورگه ایجاد شد، بدین‌ترتیب ارائه آرای موافق و مخالف بسیاری از سوی اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه‌های گوناگون پیرامون مسأله طرح گردید و به مناسبت در جواز یا عدم آن نگاشته‌اند. در حوزه حقوقی، از آنسو که یکی از مهم‌ترین پیامدهای موضوع شبیه‌سازی، موضوع نسب بوده ـ چراکه بسیاری از ابواب مانند توارث، نفقه، حضانت و و محرمیت بر آن مترتّب است ـ اهمیت مسأله دوچندان و اظهار نظر و تشریع حکم توسط فقهیان و حقوقدانان و قانونگذاران ضروری گردید. اغلب فقیهان در استفتائات خود و گروهی به مناسبت ذیل مبحث نکاح اجتهاد و ابراز نظر نمودند. حقوقدانان نیز در نگارش‌های خود به ابعاد حقوقی مسأله پرداختند. همچنین تاکنون چندین پژوهش فقهی و حقوقی در داخل کشور نشر پیدا کرده است که البته هیچ کدام به دیدگاه حقوق بین‌الملل نپرداخته‌اند و بدون طرح میان رشته‌ای تحقیق، از مبانی علم پزشکی موضوع به دور بوده‌اند، از جمله این پژوهش‌ها، می‌توان به نگارش علی رحمانی‌فرد سبزواری و فاطمه نظری (۱۳۹۷ ش.) در

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

مقاله «دیدگاه فقهای شیعه در مورد شبیه‌سازی انسانی» اشاره نمود. محققین در این مقاله دیدگاه‌های فقهی را تبیین نمودند. بنا به نظر برخی از فقیهان، در مواد معدود و با هدف درمان بیماری‌ها، حکم به تجویز شبیه‌سازی شده، اما طبق دیدگاه مشهور، شبیه‌سازی مفسده‌انگیز بوده و به هر نحو مخالف موازین شرعی است. در مقاله دیگر، محدثه معینی‌فر و فریبا حاجی‌علی (۱۳۸۹ ش.) با عنوان «نسب طفل شبیه‌سازی‌شده در نظام حقوق اسلام» به این نتیجه دست یافته‌اند که برای فهم نسب در اندیشه فقها، باید وجوه مختلف آرای فقهای اهل تشیع و اهل سنت مورد تدقیق قرار گیرد. علی‌اکبر ایزدی‌فرد و همکاران (۱۳۸۹ ش.) نیز در مقاله «بررسی فقهی وضعیت نسب در شبیه‌سازی انسانی» دریافته‌اند که مطابق دیدگاه مشهور، نسب در شبیه‌سازی انسانی موضوعیت نداشته و منتفی است و بر فرض، چنانچه صاحب سلول مذکر باشد، می‌توان به طور ضمنی، نسب را قابل قبول دانست، اما پژوهش حاضر، با بهره‌مندی از جنبه‌های نوپدید علمی، ضمن تبیین موضوع نسب در مسأله شبیه‌سازی انسان، درصدد است نگرش حقوق بین‌الملل را نیز در این زمینه جویا شود و به تحلیل جامع‌تر دست یابد.

۲. تکنولوژی شبیه‌سازی: شبیه‌سازی (Cloning) یکی از پیشرفته‌ترین دست‌یافته‌های بشر در زمینه علم پزشکی و مهندسی ژنتیک است که البته به روش‌های متعددی قابل اجرا است. در علم ژنتیک، تاکنون تکنولوژی شبیه‌سازی مبتنی است بر سه روش تولیدی (Reproductive)، درمانی یا تحقیقی (Somatic-cell Nuclear Transfer) و شبیه‌سازی DNA (تکنولوژی نوترکیبی DNA) تحقق یافته است.

شبیه‌سازی درمانی شامل شبیه‌سازی سلول‌های انسان برای استفاده در حوزه پزشکی و پیوند اعضا می‌باشد. دو روش رایج شبیه‌سازی درمانی که در حال تحقیق است، عبارتند از: انتقال هسته سلول سوماتیک (Somatic-Cell Nuclear Transfer) و القای سلول‌های بنیادی پرتوان (Pluripotent Stem Cell Induction) (۱۵). شبیه‌سازی تولید مثلی به جای ساختن سلول‌ها یا بافت‌های خاص، شامل ساختن کل انسان شبیه‌سازی شده است. تکنولوژی DNA نیز شبیه‌سازی ژنی، مولکولی یا DNA همه فرآیندهای مشابهی است که از انتقال قطعه DNA از یک ارگانیسم به یک عنصر ژنتیکی خود تکرار همچون پلاسمیدهای باکتریایی، ویروس‌ها، کروموزوم‌های مصنوعی باکتریایی و کروموزوم‌های مخمری می‌باشد (۱۶).

اصطلاحات شبیه‌سازی درمانی (Therapeutic Cloning) و شبیه‌سازی تولید مثلی (Reproductive Cloning) از نظر علمی چندان دقیق نیستند، اما با این وجود به طور معمول مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع، آن‌ها از فرآیند انتقال هسته سلول سوماتیک نشأت می‌گیرند که به موجب آن، یک تخمک دارای هسته، هسته‌ای را از یک سلول جسمی (بدن) دریافت می‌کند. در شبیه‌سازی تولید مثلی، جنین برای بارداری در یک ماده کاشته می‌شود. از طریق همین روش دالی گوسفند، اولین پستانداری بود که شبیه‌سازی شد. در شبیه‌سازی درمانی، جنین ایجادشده از طریق تلقیح مصنوعی، در خارج از رحم، یعنی در آزمایشگاه رشد می‌کند و متعاقباً از سلول‌های بنیادین آن جهت درمان اختلالات سلولی فرد دیگری استفاده می‌گردد (۱۷)، اگرچه شبیه‌سازی درمانی به عقیده بسیاری، از نظر پزشکی پتانسیل بالایی دارد، اما به عنوان منبع بافت و اندام‌های سازگار، برای کسانی که به پیوند نیاز دارند، بحث و جدل‌های قابل توجهی ایجاد می‌کند. شبیه‌سازی انسان، ایجاد یک کپی ژنتیکی یکسان از اوست. این اصطلاح عموماً برای اشاره به شبیه‌سازی مصنوعی انسان که تولید مثل سلول‌ها و بافت‌های انسانی است، استفاده می‌شود. بر این اساس، عدم شناخت دقیق

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

از ماهیت دقیق علمی شبیه‌سازی انسان، بحث‌هایی را برانگیخته است و ابهام، در خصوص این مسأله، نگرانی‌های اخلاقی چندین کشور را بر آن داشته تا قوانینی را در مورد شبیه‌سازی انسان و قانونی‌بودن آن تصویب کنند.

از زمان شبیه‌سازی دالی گوسفند، به شرت توجه اخلاق شناسان، حقوقدانان و دانشمندان را نسبت به توسعه این فناوری و افزایش دایره شمول آن نسبت به انسان‌ها برانگیخت. کسانی که طرفدار و موافق این تکنولوژی هستند، از ارزش‌های لیبرال استفاده نموده و به آزادی باروری اشاره می‌نمایند و امیدوارند که شبیه‌سازی، ابزار جدیدی برای مقابله با ناباروری و تکثیر سلول‌های جدید و ایجاد زمینه تولید اندام‌های قابل پیوند فراهم نموده و در خدمت زندگی بشری قرار گیرد (۱۶)، اما مخالفان شبیه‌سازی، به معایب و تبعات منفی حقوقی، اجتماعی، مذهبی و اخلاقی این پدیده اشاره می‌کنند، از جمله از بین‌رفتن هویت و شخصیت فردی، استثمار و سوءاستفاده از زنان، ایجاد جامعه بی‌هویت، برهم‌خوردن نظام خانواده، اخلال در قرابت و نَسَب، منافات با اصل زوجیت، شناخته‌شدن فرد شبیه‌سازی‌شده به عنوان شهروند درجه دو، آسیب‌های تهدیدکننده برای سلامت کودک شبیه‌سازی‌شده، عوارض عاطفی و روانی در فرد شبیه‌سازی‌شده، ایجاد زمینه برای پایان تولد طبیعی نسل بشر، تشویق سقط جنین، آسیب به اهداکننده تخمک و رحم جایگزین (۱۸). به هرسو، کسانی که نگران سلامت روانی کلون هستند، از آنچه به عنوان ویژگی ذاتی انسانی، داشتن یک هویت منحصر به فرد می‌دانند، نمی‌توان لذت برد. ممکن است «والدین» از کلون‌ها انتظار داشته باشند که با یک الگوی زندگی خاص مطابقت داشته باشند یا با دانستن زندگی شخصی که از او شبیه‌سازی شده‌اند، احساس محدودیت کنند.

البته کسانی که در هر دو طرف قرار دارند، اغلب بر این عقیده‌اند که بر اساس میزان موفقیت ضعیف در شبیه‌سازی حیوانات و خطرات بالقوه سلامت مادر و کودک، به دلایل ایمنی، تلاش برای شبیه‌سازی انسان در حال حاضر غیر اخلاقی است (۱۹)، لذا نگرانی‌های بسیاری در خصوص شبیه‌سازی انسان وجود دارد. با این وجود، اکنون، دانشمندان کمتر قصدی برای شبیه‌سازی افراد دارند و معتقدند نتایج آن‌ها باید بحث گسترده‌تری در مورد قوانین و مقرراتی که جهان برای تنظیم شبیه‌سازی به آن نیاز دارد، ایجاد کند (۲۰).

در فرآیند شبیه‌سازی ـ که در آن نیاز به یک سلول غیر جنسی (جسمی) و یک تخمک می‌باشد ـ می‌توان چهار احتمال را جهت باروری و شبیه‌سازی کودکان در زوجین در نظر گرفت:

احتمال نخست: هنگامی که تخمک و رحم یک زن برای حمل جنین به کار گرفته شده و DNA جسمی، رحم و تخمک زن در فرآیند شبیه‌سازی استفاده می‌گردد. در این حالت، می‌توان گفت که کودک فاقد پدر است؛

احتمال دوم: اگر زن به دلیل عدم تولید تخمک زنده، قادر به مشارکت ژنتیکی در ژنوتیپ کودک نباشد، می‌توان از سلول‌های سوماتیک (DNA) او همراه با تخمک اهداکننده در فرآیند شبیه‌سازی استفاده کرد، سپس تخمک بارورشده در رحم زن اول کاشته شود؛

اجتمال سوم: زن قادر به تولید گامت (Gametes) است، در حالی که مرد قادر به تولید گامت نیست؛ در این مرحله دی‌ان‌ایِ جسمی مرد و تخمک زن می‌تواند در فرآیند شبیه‌سازی استفاده شود؛ به این معنی که او می‌تواند کمک مادی به تولد کودک داشته باشد و همچنین مقدار کمی از DNA میتوکندریایی (Mitochondrial) را به همراه داشته است. اگر او بتواند

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

فرآیند شکل‌دهی به بچه را به پایان برساند، تخمک بارورشده به رحم زن منتقل می‌شود؛

احتمال چهارم: اگر زن نتواند فرآیند شکل‌دهی کودک را به پایان برساند، می‌توان از سلول‌های جسمی و تخمک‌های او در فرآیند شبیه‌سازی استفاده کرد، سپس از مادر جایگزین استفاده می‌شود (۲۱).

۳. شبیه‌سازی از منظر نهادهای بین‌المللی: سازمان یونسکو، اولین نهاد بین‌المللی بود که در سال ۱۹۹۷ در ماده یازدهم اعلامیه جهانی عنوان کرد: «آزمایش‌های مغایر با کرامت انسانی، از قبیل شبیه‌سازی مولد نوع بشر، مجاز نیست.» سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۸ شبیه‌سازی مولد انسان را از نظر اخلاقی ناپذیرفتنی دانست. در سال ۲۰۰۱ نیز پیرو درخواست برخی کشورها، در پنجاه و ششمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، موضوع تهیه پیمان‌نامه بین‌الملل علیه شبیه‌سازی انسان در دستور کار قرار گرفت. سرانجام در سال ۲۰۰۵ میلادی «اعلامیه ملل متحد درباره شبیه‌سازی انسان» در پنجاه و نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل به رأی گذاشته شد که با اکثریت ۸۴ رأی موافق در مقابل ۳۴ رأی مخالف و ۳۷ رأی ممتنع به تصویب رسید. کشورهایی مانند برزیل، سنگاپور، تایلند، مکزیک، چین، هندوستان، کره جنوبی، اسپانیا، سوئد، دانمارک، کانادا، فرانسه، هلند و ژاپن از مخالفان این بیانیه بودند. علاوه بر کشورهای روسیه، آلمان و ایالات متحده آمریکا، از بین کشورهای مسلمان نیز، افغانستان، بحرین، بنگلادش، عراق، کویت، مراکش، قطر، عربستان سعودی، سودان و امارات متحده عربی از موافقان این بیانیه بودند. ایران، مصر، اندونزی، اردن، لبنان، عمان، پاکستان، سوریه، ترکیه، تونس و یمن، از جمله کشورهای مسلمانی بودند که به این بیانیه رأی ممتنع دادند.

با نگاهی به فهرست کشورهای مخالف و ممتنع می‌توان گفت، این بیانیه علیرغم تصویب، با موفقیت چندانی همراه نبود. در پی شکست بیانیه سازمان ملل، در سال ۲۰۰۸ سازمان یونسکو به تشکیل کارگروهی برای تنظیم پیمان بین‌الملل منع شبیه‌سازی مولد انسان اقدام کرد. با وجود تلاش‌های این کارگروه تا سال ۲۰۱۱ و برگزاری نشست‌های مختلف، باز هم نتیجه‌ای حاصل نشد. با جدی‌شدن امکان شبیه‌سازی انسان، بسیاری از علمای دینی، سیاستمداران و کشورها به مخالفت با شبیه‌سازی مولد انسان پرداختند، اگرچه تلاش‌های بین‌المللی برای وضع قوانین موفق نبود، بسیاری از کشورهای جهان در قوانین داخلی خود، شبیه‌سازی با هدف تولید مثل را ممنوع و برای آن مجازات تعیین کرده‌اند. (۲۲)

یکی از حقوقدانان بین‌المللی در پژوهش خود می‌آورد: «جامعه جهانی ـ به ویژه کشورهای صاحب فناوری ـ از سال‌ها پیش، به مواجهه با این پدیده پرداخته و قوانینی سختگیرانه درباره شبیه‌سازی وضع کرده‌اند. همه آن‌ها شبیه‌سازی مولد را ممنوع اعلام کرده و از نظر قانونی مستوجب مجازات‌های سخت می‌دانند. در خصوص شبیه‌سازی درمانی‌تحقیقاتی نیز ـ هر یک از این کشورها ـ قوانین مربوط به خود را دارند؛ در واقع می‌توان گفت، دو دیدگاه حقوقی بین‌الملل درباره شبیه‌سازی انسان وجود دارد: در دیدگاه اول که شامل تعدادی اندک از کشورها است، هر نوع شبیه‌سازی انسان با هر هدفی ممنوع است؛ دیدگاه دوم که موافقان بیشتری دارد، شبیه‌سازی مولد را ممنوع، ولی شبیه‌سازی درمانی‌تحقیقاتی را با ذکر شرایطی مجاز می‌داند» (۲۳).

اما در کشور ایران هنوز اقدامی برای وضع قانون در زمینه شبیه‌سازی و جرم‌انگاری آن صورت نپذیرفته و عمده ضوابط موجود، مبتنی بر فتواهای علما و راهنماهای اخلاق زیست‌پزشکی است، در حالی که ضابطه‌مندی این

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

فناوری در کشور، یک ضرورت است؛ بنابراین باید تعریفی واضح از مواردی که جرم محسوب می‌شود، ارائه شود، اگرچه در آخرین نسخه «راهنمای اخلاق در پژوهش بر سلول‌های بنیادی و پزشکی بازساختی در جمهوری اسلامی ایران» که کمیته ملی اخلاق در پژوهش‌های علوم زیستی، آن را در سال ۱۳۹۹ ابلاغ کرده، به موضوع شبیه‌سازی انسان در سرفصل ۸-۲ به سلول‌های بنیادی حاصل از انتقال هسته سلول بدنی اشاره شده است. مطابق این راهنما، شبیه‌سازی با هدف درمان و به شرط از بین‌بردن جنین تا چهارده‌روزگی، مجاز، اما شبیه‌سازی با هدف تولید مثل ممنوع است. در بند ۲-۲ از «راهنمای اخلاقی پژوهش‌های ژنتیک پزشکی» مصوب سال ۱۳۹۲، شبیه‌سازی مولد انسان، به عنوان عملی غیر اخلاقی ممنوع شده است. در «راهنمای اخلاقی پژوهش بر گامت و رویان» مصوب سال ۱۳۹۲ نیز در چند بند به موضوعات مرتبط با این حیطه اشاره شده است. طبق بند سه این راهنما، تولید رویان انسان با هدف پژوهش ممنوع است، ولی انجام‌دادن پژوهش بر روی مازاد رویان‌های تولیدشده، به قصد درمان ناباروری و تولید مثل پذیرفتنی است. در تبصره این بند، تولید رویان با هدف شبیه‌سازی پژوهشی‌درمانی، به شرط در دسترس‌نبودن منابع جایگزین، مجاز اعلام شده است. همچنین در بند ۵-۷ این راهنما، شبیه‌سازی تولید مثلی انسان ممنوع اعلام شده است.

البته باید افزود که برخی از حقوقدانان با اشاره به بند «ج» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، به موضوع مسئولیت گروه پزشکی در شبیه‌سازی انسانی پرداخته و این‌گونه نتیجه گرفته‌اند که با توجه به آرای فقها، ابهام در ایمنی روش‌های به کاررفته و مخاطرات متعدد برای کودک حاصل از این روش‌ها، شبیه‌سازی مولد، عمل پزشکی مشروعی محسوب نمی‌شود. همچنین رضایت افراد به انجام‌دادن این عمل مسئولیت مدنی و کیفری پزشک را مرتفع نخواهد کرد (۲۴). دیدگاه دیگر این است که در قوانین موضوعه و با توجه به موادی از قانون مدنی و اراده قانونگذار در این زمینه و مراجعه به نظم عمومی و اخلاق حسنه، شبیه‌سازی انسانی را از منظر نظام حقوقی ایران، نمی‌توان غیر مجاز اعلام کرد. آل کجباف مسأله شبیه‌سازی انسان را از منظر حقوق بین‌الملل، بررسی و تحلیل کرده است (۲۵)، هرچند باید اشاره کرد که طبق حقوق ایران بر مبنای قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲/۰۴/۲۹ و آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۱۹، درمان ناباروری با انتقال جنین‌های تشکیل‌شده از نطفه زوج‌های قانونی و شرعی در خارج از رحم با شرایطی مجاز است. به موجب ماده یکم این قانون، کلیه مراکز تخصصی‌درمان بیماران نابارور ذی‌صلاح مجاز خواهند بود. با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنین‌های حاصل از تلقیح خارج از رحم زوج‌های قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی، ناباروری آن‌ها (هر یک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده، اقدام نمایند. مراکز مذکور در صورت موافقت و رضایت کتبی زوج‌های اهداکننده و تسلیم جواز دریافت جنین از دادگاه، خانواده از طرف زن و شوهر متقاضی (مواد ۲ و ۴ قانون و ۳ تا ۵ آیین‌نامه) می‌توانند به درمان ناباروری اقدام کنند، البته قانونگذار در این قانون فقط حالت خاصی از درمان ناباروری را پیش‌بینی کرده و حالت‌های دیگر آن به ویژه بهره‌مندی از رحم جایگزین را از قلم انداخته است (۲۶).

۴. ماهیت نسب در حقوق: نَسَب یکی از اساسی‌ترین حقوق بشری است که هر فردی از خانواده خود اخذ می‌کند که مبنای حقوق کودک در خانواده و سایر حقوق

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

او بوده و مانع از شرم‌ساری در هنگام انکار پدر از سوی فرزند می‌شود (۲۷)، از سه طریق خویشاوندی (رابطه با ولادت در یک خانواده)، ازدواج و رضاعی (رابطه با شیردادن در نوزادی) مشخص می‌گردد. منظور از نسب، قرابت، نسبت، نژاد انسانی، قرب خون و خویشاوندی دو فرد است. در این بین، نسب، در اصطلاح فنی به دو مفهوم عام و خاص تقسیم می‌شود. بر اساس مفهوم کلی، نسب «رابطه ژنتیکی و قانونی موجود بین دو نفر» است و در مفهوم خاص، نسب «رابطه‌ای است که بین دو نفر وجود دارد که یکی از آن‌ها از او متولد شود» (۲۸).

از این رو، یکی از چالش‌های مهم فقهی‌حقوقی مرتبط با موضوع، وضعیت نسب در شبیه‌سازی انسان است، چراکه بسیاری از مسائل فقهی، مانند توارث، نفقه، حضانت و محرمیت بر آن مترتّب است. از یکسو، به دلیل عدم لقاح طبیعی زوجین، نسب را فاقد موضوعیت و منتفی دانست که در این صورت، ترتب آثار حقوقی غیر ممکن بوده و مسأله را مختومه و غیر مجاز تلقی می‌نماید. و از سوی دیگر، با استناد به درک عرف عام، از آنجا که مفهوم پدر و مادر، مفاهیم عرفی هستند و نه حقیقت شرعی، نسب در شبیه‌سازی را قابل قبول و پذیرفته دانست.

در بسیاری از کشورهای اروپایی و ایالات متحده، نسب را از حقوق فرزند ندانسته و دادگاه‌ها بدون در نظرگرفتن رابطه بیولوژیکی، نسب خود را ایجاد می‌کنند. در واقع، حقوق بین‌الملل در قوانین خود سه نوع والدین را مجاز دانسته‌اند: ۱ـ والد اجتماعی؛ ۲ـ والدین قانونی؛ ۳ـ والد زیستی، اما آنچه در نظام حقوقی بین‌المللی مبنا قرار می‌گیرد، تعیین نسب به صورت قانونی است (۲۹)، البته در میان برخی حقوقدانان بین‌المللی نیز این عقیده مطرح است که نسب قانونی بین زنی که طفل در رحم او رشد پیدا کرده و خود طفل به وجود نخواهد آمد، زیرا تخمک این زن در پیدایش کودک شرکت نداشته است و صرف تکامل‌یافتن و گذراندن مراحل رشد در رحم، سبب تحقق نسب نیست. بنابراین طفل فقط به صاحبان نطفه ملحق بوده و از این منظر، مبنای تعیین نسب، رابطه زیستی میان طفل و پدر صاحب نطفه است (۳۰).

اما از نظر نظام حقوق ایران، رابطه بیولوژیک اهمیت زیادی در تعیین نسب دارد. شناخت مشروعیت طفل و تحقق نسب وی موجب حفظ حرمت خانواده گردیده و با مصلحت طفل نیز سازگار می باشد (۲۷، ۳۱). در این میان، آنچه از منظر قانونی در خصوص نسب کودک شبیه‌سازی‌شده بسیار مهم است، پاسخ این پرسش است که آیا کودک شبیه‌سازی‌شده، دارای پدر و مادر است یا خیر؟ و در صورتی که دارای نسب است، پدر و مادر او چه کسانی هستند؟

در فرض نسب زیستی، حقوقدانان به پیروی از نظر مشهور فقیهان امامیه معتقدند که طفل از اسپرم مرد باشد و شخصی که صاحب اسپرم است، پدر طفل محسوب می‌شود (۳۵-۳۲)، اما در خصوص فرض نسب کودک شبیه‌سازی شده، نظرات مختلف و مفصلی تاکنون ارائه گردیده است که بیان همه آن‌ها موجب اطاله کلام خواهد بود، لذا با بررسی نظرات ارائه‌شده، می‌توان گفت که به صورت جمع‌بندی، سه دیدگاه را در این خصوص وجود دارد:

طبق نظر اول، کودک شبیه‌سازی‌شده به دلیل فقدان لقاح، فاقد نسب است (۳۶). شیروی در این‌باره می‌نویسد: «انسانی که از راه شبیه‌سازی به وجود می‌آید، پدر و مادر ندارد، زیرا اساساً نطفه‌ای تشکیل نشده است. فاقد خواهر و برادر است و منتسب به فامیل نیست. همچنین فردی که او در رحمش رشد کرده است، مادرش نیست، بلکه مادر جانشین است، لذا از نظر ایشان، کودک شبیه‌سازی‌شده فردی فاقد نسب است» (۳۷)؛ بر اساس نظر دوم، برخی از حقوقدانان و اندیشمندان، بر اساس فهم عرفی، کودک

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

شبیه‌سازی‌شده را دارای نسب دانسته و صاحب سلول در صورت مونث‌بودن، به عنوان مادر و در صورت مذکربودن، به عنوان پدر کودک شبیه‌سازی‌شده در نظر گرفته می‌شوند که در این حالت، کودک از داشتن پدر و یا مادر محروم است (۳۸).

چنانچه این گروه از صاحب‌نظران معاصر معتقد هستند: «بر اساس فهم عرفی، پدر همان صاحب سلول و مادر همان صاحب تخمک است، لذا با وجودی که شبیه‌سازی شیوه‌ای متعارف برای پدیدآمدن کودک نیست، از نظر عرفی عنوان تولد بر آن صدق می‌کند. همین امر را می‌توان به صاحب سلول، صاحب تخمک و رحم پرورش‌دهنده تسری داد» (۴۰-۳۹). موسوی بجنوردی نیز در رابطه با این احتمال در کتاب خود چنین می‌نویسد: «هنگامی که تخمک و رحم یک زن برای حمل جنین به کار گرفته شده و DNA جسمی، رحم و تخمک زن در فرآیند شبیه‌سازی استفاده می‌گردد. در این حالت، می‌توان بیان نمود که کودک فاقد پدر است، ولیکن به مرد محرم بوده و ربیبه او محسوب می‌شود» (۵، ۴۱)؛ مطابق نظر سوم، برخی دیگر معتقدند که پدر و مادر صاحب سلول، پدر و مادر کودک شبیه‌سازی‌شده خواهند بود و در این حالت صاحب سلول و کودک شبیه‌سازی‌شده، خواهر یا برادر دوقولوی یکدیگر محسوب می‌گردند (۴۲).

پیروان این نظریه در تبیین نظر خود می‌آروند: «فرزند شبیه‌سازی‌شده، متعلق به طرفین است (پدر و مادر)، زمانی که زن و شوهر باشند، اما اگر زوجیت در میان نباشد، فرزند در حکم ولدشبهه است» (۴۳). ایشان در دلیل خود می‌نگارند: «از آن جهت که نطفه از هر کسی باشد، پدر ولد همان اوست ـ ولو نطفه نامشروع باشد ـ در مسأله شبیه‌سازی نیز، فرزند منتسب به صاحب سلول است» (۴۴).

اما دیدگاه نخست که قائل به فقدان نسب است، چندان وجهی ندارد، زیرا پیروان این دیدگاه، دلیل قابل توجهی که مورد عنایت معیارهای فقه امامیه باشد، ارائه نکرده‌اند. در حقیقت، فقها و اندیشمندان حقوق اسلامی تنها در یک مورد قائل به فقدان نسب شرعی هستند و آن هم زمانی است که زن و مردی از طریق زنا صاحب فرزند شوند. در فرض مزبور، نسب شرعی منتفی است. در غیر این صورت، در هیچ یک از منابع و متون فقهی، مسأله فقدان نسب مطرح نشده است. به بیان دیگر در مورد نسب، اندیشمندان حقوق اسلامی قائل به تفسیر موسع هستند، البته این امر در بیان این دانشمندان به صورت ضمنی آمده است. به عنوان نمونه، در خصوص زن و مرد اجنبی (غیر شوهر) که به صورت نامشروع با هم ملاعبه می‌کنند و منی از مرد در اطراف دستگاه تناسلی زن خارج شود ـ بدون آن‌که رابطه جنسی صورت گرفته باشد ـ و آنگاه زن باردار گردد، فقها نسب را معین دانسته و صاحب اسپرم را پدر می‌دانند، زیرا در این فرض زنا به معنای خاص تحقق نیافته، لذا نسب ثابت و در حکم نکاح شرعی است، البته شواهد فقهی دیگری نیز در دست است که می‌توان به آن‌ها نیز استناد کرد. از آن جمله می‌توان به تلقیح مصنوعی (Artificial Insemination) اشاره کرد. به عقیده عموم فقهای امامیه، هرگاه تلقیح مصنوعی (اعم از داخل یا خارج رحمی: IUI or IVF) با استفاده از اسپرم زوج و تخمک و رحم زوجه یا همسر دیگر زوج صورت گیرد، کودک به صاحب اسپرم (زوج) و یا زوجه صاحب تخمک یا رحم ـ بنا بر اختلاف مبانی ـ منتسب خواهد بود. از فقهیان امامیه تنها طباطبایی حکیم به عدم انتساب طفل به صاحب اسپرم فتوا داده و کودک را تنها به مادر ملحق دانسته است (۳، ۴۵). آن دسته از فقهایی که تلقیح مصنوعی را جایز نمی‌دانند، علت عدم جواز آن را از باب حرمت زنا نمی‌دانند ـ یعنی فعل مذکور را

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

مصداق زنا به حساب نمی‌آورند ـ بلکه از نظر ذوق فقهی چنین حکمی می‌دهند (۵).

برخی از حقوقدانان با تحلیل حقوقی مواد قانونی ارث و در بخش موانع ارث به خصوص در شرح مواد ۸۶۲ و ۸۸۴ قانون مدنی، قائل به توسعه در مفهوم نسب و تضییق در معنای زنا شده‌اند (۴۶). ایشان گفته‌اند: «به نظر می‌رسد که هرگاه نکاح بین زن و مرد نباشد و در اثر تفخیذ یا داخل‌کردن کمتر از حشفه از آلت مرد در آلت زن اجنبی فرزندی متولد گردد. فرزند مزبور در حکم متولد از نکاح خواهد بود. وانگهی با توجه به ماده ۸۶۲ قانون مدنی که نسب را به طور مطلق شرط توارث دانسته است و ولدالزنا را در ماده ۸۸۴ استثنا کرده است، به نظر می‌رسد که ولد ناشی از راه غیر از زنا ارث می‌برد، چنانچه گفته شود که چون نکاح بین ابوین طفل نبوده، آن دو اجنبی از یکدیگر هستند و عمل آنان دارای اثر حقوقی نمی‌باشد، در ردّ آن باید گفت که ماده ۸۸۴ استثنا بر ماده ۸۶۲ می‌باشد و عمل به وحدت ملاک استثنا، برخلاف روش تفسیری است که پیروی شده است» (۴۸-۴۷). بنابراین با توجه به آنچه بیان گردید، فرض فقدان نسب تنها در صورت زنا حاصل می‌شود و در نظرگرفتن آن در مسأله شبیه‌سازی از اساس ناصواب و بی‌معنا است.

و اما بر اساس دیدگاه دوم که وجود نسب در شبیه‌سازی را بر فهم عرفی استوار می‌داند و به پیروی آن، عرف جامعه، پدر و مادر فرزند شبیه‌سازی‌شده را همان صاحبان سلول و رحم می‌شناسد، احاله چنین مسئولیتی به عرف جامعه جای تأمل و بررسی دارد، اگرچه بنا به یک قاعده اصولی، تعیین مصادیق و موضوعات نسبت به مواردی که شرع متعرض آن نشده یا شناخت در مورد رعایت اصل تفریع و انطباق مواضیع، بر ذمه عرف گذارده شده است و بر این مبنا، چون نسب در شبیه‌سازی از مواردی است که حدود آن به صورت خاص در شرع مقدس تبیین نشده، معرفت نسبت به آن بر عهده عرف است، اما آیا تعیین موضوع در حیطه مسائل مستحدثه و به‌روز در صلاحیت عرف عام است یا در صلاحیت عرف خاص و خبره؟ چگونه و تا چه میزان، فهم عرف عام در حوزه موضوعات نوین و نوظهور قابل اعتماد و استناد است؟ شاید عرف عام به دلیل فقدان نمونه مشابه، دچار خطا شده و در تشخیص موضوع خلط نماید، یعنی برادر یا خواهر دوقلو را به عنوان پدر و مادر حقیقی و اصلی بشناسد، در حالی که که بنا به نظر اهل خبره و صاحب نظران علم مهندسی ژنتیک (عرف خاص) خلاف آن محقق باشد و پدر و مادر صاحب سلول به عنوان پدر و مادر فرزند شبیه‌سازی محسوب شوند و صاحب سلول و فرزند شبیه‌سازی‌شده در حقیقت دوقلوی یکدیگر باشند (۴۹).

نظیر این مسأله در لقاح مصنوعی میان دو سلول است که متخصصین اجازه رشد به یک سلول را می‌دهند تا نه ماه آینده متولد شود و سلول دیگری را ـ که دوقلوی آن محسوب می‌شود ـ در محفظه‌های مخصوص و دمای منفی ۱۸۰ درجه سانتی‌گراد نگهداری نموده و پس از گذشت چند ماه، آن را فعال می‌نمایند، بدین‌ترتیب اگر چه فاصله سنّی میان دو سلول وجود دارد، اما دوقلوس یکدیگر محسوب می‌شوند (۵۱-۵۰).

در یک تحلیل تخصصی، باید افزود که در صورت پذیرش دیدگاه اخیر (فهم عرفی)، تشخیص پدر و مادر و همچنین برادر و خواهر فرد شبیه‌سازی‌شده با چالش جدیدی مواجه خواهد شد، چراکه اگر کودکی با استفاده از روش شبیه‌سازی تولید گردد، به طور مسلم «ژنوم (Genome)» او به یکی از افراد بستگی دارد، نه به دو نفر. به عنوان مثال، در یک خانواده، ژنوم کودک یا به پدر تعلق دارد یا به مادر. این شکل جدیدی از خانواده‌های تک‌والدی (Uniparental) خواهد بود. خانواده‌هایی که تشخیص پدر

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

و مادر بر اساس قوانین و اصولی متفاوت صورت خواهد پذیرفت (۵۲).

چه‌بسا ممکن است مادر، دوقلوی ژنتیکی خود را در رحم بپروراند یا این‌به یک پدر از نظر ژنتیکی با فرزندش هم‌سان باشد. به همین ترتیب، رابطه شبیه با پدربزرگ، مادربزرگ و دیگر خویشاوندان او مبهم خواهد شد. بر فرض، زنی عمل هیسترکتومی (برداشتن رحم) داشته باشد و می‌تواند ترتیبی دهد که تخمک‌هایش از تخمدان‌ها گردآوری و در آزمایشگاه هسته‌زدایی شده، با هسته سلول سوماتیک (Somatic Cell) خود یا شوهرش دوباره بازسازی شود.

این تخمک‌های بازسازی‌شده را می‌توان در رحم مادر او که به عنوان رحم جایگزین عمل می‌کند، کاشت. چنین زایشی، اکثر راهکارهای زیست‌شناسی و متعارف حاکم بر تولید مثل انسان و همه مقوله‌هایی را که نوع انسان در تاریخ تکامل طولانی خود برای مشخص‌کردن روابط میان والدین و فرزند پدید آورده است، دگرگون می‌کند. جنبه‌ای که از زمان پذیرش لقاح مصنوعی جالب تلقی نمی‌شد، آن است که پدر زیست‌شناسی (دهنده اسپرم) لزوماً پدر جامعه‌شناسی نباشد. در حقیقت ممکن است که نوزاد هرگز پدری نداشته باشد و این مسأله در مورد شبیه‌سازی پیچیده‌تر خواهد بود. شاید در تلقیح مصنوعی، دهنده اسپرم به دلیل شرکت سلول جنسی، پدر کودک محسوب شود، ولی در شبیه‌سازی هیچ اسپرمی دخالت ندارد، لذا تشخیص پدر زیست‌شناسی را با مشکلات بیشتر رو به رو می‌سازد. افزون بر این، ممکن است حتی دهنده سلول سوماتیک مانند این مورد یک زن باشد، یعنی هیچ مردی در آن دخالت نداشته باشد که در این رابطه، حتی مشخص نخواهد بود که چه کسی مادر زیست‌شناسی نوزاد محسوب گردد. دهنده تخمک، صاحب رحم یا دهنده سلول سوماتیک و یا اینکه هر سه مادر کودک هستند. در حالتی که دهنده سلول سوماتیک، همانند صاحب تخمک، دختر وی باشد، در واقع مادر زاینده و شوهر وی هر کدام ۵۰ درصد موهبت ژنتیکی و در عین حال دخترشان همه موهبت ژنتیکی خود را به ترکیب ژنتیکی نوزاد بخشیده و اگر دهنده یک غریبه باشد، هیچ یک از سه فرد یادشده در ترکیب ژنتیکی نوزاد دخالت نداشته است (۲۲).

آنچه مهم است، در حالت طبیعی (تولید مثل جنسی) مادر زیست‌شناسی، کسی است که در ۵۰ درصد ترکیب ژنوم کودک خود شرکت داشته باشد که در این صورت، مادر بزرگ و پدر بزرگ وی نیز هر کدام در ۲۵ درصد این ترکیب شرکت خواهند داشت و همین وضعیت را در پدر زیست‌شناسی نیز خواهد بود (۱۱)، ولیکن در فرض مزبور، به دلیل اینکه دختر تمام محتوای ژنتیکی خود را به کودک اهدا کرده است، مادر زاینده مانند مادر زیست‌شناسی ۵۰ درصد ساختار ژنتیکی خود را به کودک بخشیده است و این موجب می‌شود تا مادر زاینده از طرفی مادر زیست‌شناسی و از طرف دیگر مادربزرگ جامعه‌شناسی و همچنین شوهرش نیز از طرفی پدر زیست‌شناسی و از سوی دیگر پدربزرگ جامعه‌شناسی کودک محسوب شود. به عبارت ساده‌تر، کودک متولدشده هم‌نوع آن‌ها محسوب می‌شود و هم فرزند زیست‌شناسی آن‌ها (۵۵-۵۳).

بنا بر آنچه گفته شد، علیرغم دیدگاه‌های مختلف و دلایل گوناگونی که در خصوص این مهم، تاکنون توسط حقوقدانان و فقها بیان گردیده است، به نظر می‌رسد که پذیرش نظر سوم منطقی‌تر باشد، چراکه نخست، وجود نسب بر اساس اصول فقهی ـ حقوقی و زیستی و همچنین جهت حمایت از کودکان شبیه‌سازی‌شده مسلم است؛ دوم اینکه به نظر می‌رسد بر اساس مبانی زیستی، نسبت کودک، به پدر و مادر صاحب سلول بازمی‌گردد، زیرا از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

نظر علمی، نسبت پدر و مادری، ناشی از زوجیت و ترکیب خزانه‌های ژنتیکی است. در شبیه‌سازی، زوجیت با واسطه و به صورت غیر مستقیم ثابت می‌شود، اما به صورت مستقیم مسأله زوجیت کاملاً منتفی است. به بیان دیگر، فرزند شبیه‌سازی‌شده به لحاظ برخورداری از خصوصیات ژنتیکی، بیش از ۹۸ درصد شبیه صاحب سلول است و چه‌بسا از نظر سن و سال نیز همانند هم باشند. از سوی دیگر، فرزند از سلول‌هایی ساخته شده که ناشی از زوجیت پدر و مادر صاحب سلول است؛ به این معنا که سلول‌های جسمی هر فرد، وارث خواص و اطلاعات ژنتیکی پدر و مادر خویش هستند، یعنی فرزند شبیه‌سازی‌شده نیمی از مشخصه‌های پدر صاحب سلول و نیمی دیگر از مادر صاحب سلول را به ارث برده که برابری می‌کند با بیش از ۹۸ درصد مشخصه‌های ژنتیکی صاحبان سلول.

با این وصف، هرچند انتساب فرزند به صاحبان سلول که ممکن است دوقلوی هم محسوب شوند، قابل اثبات است، ولیکن با توجه به اینکه پذیرش نسب برای کودک شبیه‌سازی‌شده منجر به بروز آثار حقوقی در جنبه‌های مختلف، از جمله ارث، نفقه، حضانت و... خواهد شد (۵۶)، لذا تحمیل این آثار بر پدر و مادر صاحب سلول که هیچ‌گونه دخالت و تصمیمی در شبیه‌سازی نداشته‌اند، منطقی به نظر نمی‌رسد و بهتر است در عین حال که نسب کودک به والدین صاحب سلول بازمی‌گردد، آثار ناشی از نسبت را جهت حفظ نظم عمومی ـ که خود یکی از دلایل مخالفان شبیه‌سازی می‌باشد ـ به خود صاحب سلول منتسب دانست.

روش

نگارش حاضر به روش کتابخانه‌ای، یافته‌ها و داده‌های پژوهشی مرتبط با موضوع را گردآوری، توصیف و تحلیل نموده است.

یافته‌ها

به نظر می‌رسد که شبیه‌سازی به روش‌های متعددی مانند لقاح مصنوعی، اهدای جنین، رحم جایگزین و... صورت می‌پذیرد که هر یک دارای حکم متفاوتی از نظر حقوقدانان و قانونگذار دارد. همچنین نگرش حقوق ایران به تأسی از رأی مشهور فقهی، روش تولیدی، از آن جهت که ولایت پدری به کسی واگذار نشده، انتساب کودک به صاحبان سلول به رسمیت شناخته نمی‌شود، در حالی که حقوق بین‌المللی به ویژه در کشورهای اروپایی مانند انگلستان، فرانسه و آلمان، ولایت کودک شبیه‌سازی‌شده را پذیرفته و رسمی نموده است.

بحث و نتیجه‌گیری

موضوع شبیه‌سازی و نسب کودک، مسأله‌ای پردامنه است. در درمان ناباروری با اسپرم اهدایی، نه شخص ثالثی وجود دارد که امکان انتساب فرزند را ایجاد کند و نه تردیدی وجود دارد که فرزند ناشی از لقاح تخمک زن با اسپرم اهدایی است و نه نطفه شوهر به واسطه او. این کودک واجد شرایط تمام حقوق و تعهدات والدین است. کودک شبیه‌سازی‌شده نسبتی با مرد عقیم ندارد. این در حالی است که یافته‌ها حکایت دارد که در اکثر مؤلفه‌ها، بین نظرات صاحب‌نظران حقوق در ایران و حقوق بین‌الملل تفاوت وجود دارد. حقوق بین‌الملل هرگونه سقط جنین را چه طبیعی و چه شبیه‌سازی‌شده، منوط به اراده مادر می‌داند، اما حقوقدانان ایران متأثر از فقه امامیه، در هر صورت آن را کاملاً حرام می‌دانند.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

حرام‌بودن شبیه‌سازی با توجه به مسأله نسب، مورد توجه فقها قرار گرفته است، اما می‌توان ادعا کرد که هرچند فقها و حقوقدانان به تبعیت ایشان سعی در ارائه راه حل‌هایی برای این مشکل دارند، ولی نظری مشابه ندارند و همین امر به پیچیده‌ترشدن موضوع انجامیده است. در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش شبیه‌سازی در هر دو نوع درمانی و تولیدی و همچنین نسب انسان شبیه‌سازی‌شده در فقه و حقوق ایران، تاکنون نظرات گوناگون و متعددی ارائه گردیده است و علیرغم رشد بحث‌های نظری در بین حقوقدانان و فقیهان درباره کودک شبیه‌سازی‌شده، نظام حقوقی ایران نیز هنوز کار چندانی انجام نداده و موفق به کسب نظر واحدی در این خصوص نگردیده است.

به نظر می‌رسد با توجه به پیشرفت علوم و فناوری و به خصوص حق بر سلامت نسل به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق بشری، نباید در تأیید شبیه‌سازی درمانی تردید کرد. در مورد شبیه‌سازی تولیدی نیز به نظر می‌رسد با توجه به اینکه با شبیه‌سازی دخل و تصرفی در نظام خلقت صورت نمی‌پذیرد و در نتیجه، کشف و به کارگیری قوانین است که خداوند در جهان خلقت به ودیعه گذاشته، حکم اولیه آن جواز بوده است، مگر اینکه موجب مفسده‌ای گردد که در واقع، این قید با تفسیری عام، شبیه به همان تأکیدی است که در حقوق بین‌الملل بر صحت شبیه‌سازی در صورت عدم سازگاری با کرامت انسانی و حفاظت از جان انسان شده است. در خصوص نسبت کودک شبیه‌سازی نیز در ابتدا باید پذیرفت ـ همان‌گونه که در حقوق بین‌الملل تأکید گردیده است ـ یک فرد شبیه‌سازی‌شده از حقوق انسانی، آزادی، کرامت و حمایت قانونی مرتبط با سایر اعضای جامعه انسانی فارغ از منشأ بیولوژیکی یا فناوری‌اش برخوردار خواهد بود. بنابراین اول اینکه شناسایی نسبی مشروع برای فرد شبیه‌سازی‌شده همانند سایر افراد، الزامی و حیاتی است؛ دوم، بر اساس مبانی فقهی و زیستی نسبت کودک به پدر و مادر صاحب سلول بازمی‌گردد، ولی با توجه به اینکه پذیرش نسب برای کودک شبیه‌سازی‌شده منجر به بروز آثار حقوقی در جنبه‌های مختلف، از جمله ارث، نفقه، حضانت و غیره خواهد شد، تحمیل این آثار بر پدر و مادر صاحب سلول که هیچ‌گونه دخالت و تصمیمی در شبیه‌سازی نداشته‌اند، منطقی به نظر نمی‌رسد و بهتر است در عین حال که نسب کودک به والدین صاحب سلول بازمی‌گردد، آثار ناشی از نسبت را جهت حفظ نظم عمومی، به خود صاحب سلول منتسب دانست، لذا نظام‌های حقوقی، ناگزیر باید خود را برای پذیرش کودکان شبیه‌سازی‌شده آماده کنند، چراکه این اتفاق دیر یا زود در آینده رخ خواهد داد، چه اینکه در قوانین کشورهای توسعه یافته، بحث شبیه‌سازی مورد توجه قرار گرفته است و در قواعد بین‌الملل نیز شبیه‌سازی مورد پذیرش نسبی واقع شده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

References

1. Safaei H. Family Law. Tehran: Tehran University Printing and Publishing Institute; 2012. Vol.2 p.148. [Persian]

2. Noormohammadi A. Human cloning - fears and hopes. Tehran: Arshad Publications; 2009. p.24. [Persian]

3. Tabatabaei Hakim SM. The Feqh of Human Reproduction and the good Fatwas. Qom: Dar al-Hilal; 2013. p.32-33. [Arabic]

4. Mousavi Sabzevari SA. Copying between technology and legislation. Qom: Kausar Publications; 2006. p.125. [Arabic]

5. Mousavi Bojnourdi SM. Legal Thoughts (1) - Family Law. Tehran: Majd Publications; 2007. Vol.1 p.18, 84. [Persian]

6. Hosseini Haeri K. Al-Fatawa al-Muntakhab. Qom: Dar al-Tafsir; 2003. Vol.2 p.246. [Arabic]

7. Audah Allah R. Al-Astanasakh fi Mizan al-Islam. Oman: Dar al-Asamah; 2003. p.190. [Arabic]

8. Nasr M. Copying the attack on al-Fitr al-Allahiya. Beirut: Dar al-Fakr; 1991. Vol.7 p.202. [Arabic]

9. Farid Wasel N. Al-Estensakh al-Bashar from the work of Satan. Beirut: Dar al-Fakr; 1999. Vol.8 p.124. [Arabic]

10. Madkor Biomi E. Al-Mujam al-Wajiz. Damascus: The Arabic Language Association of the Ministry of Education and Training; 2007. Vol.3 p.287. [Arabic]

11. Woodward J. Human cloning. Translated by Razavi M. Tehran: Jihad Daneshgahi Publications; 2018. p.22. [Persian]

12. Mirshekari R. Dictionary of approved words of the Academy. Tehran: Persian Language and Literature Academy Publications; 2016. Vol.10 p.288.

13. Sadati L. Medical Terminology. Tehran: Jame'e-Negar Publications; 2023. p.112.

14. Illmensee K. Cloning in reproductive medicine. Journal of Assisted Reproduction and Genetics. 2001; 18(8): 451-467.

15. Sheikh Hassan M, Ghiyashi M. Evaluation of methods for producing pluripotent stem cells. Scientific Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences. 2016; 15(4): 355-376. [Persian]

16. Abbasi M. Human cloning - a new challenge for ethics and human rights. Tehran: Medical Publications; 2008. p.16. [Persian]

17. Howstad JC. Human reproductive cloning: A conflict of liberties. National Center for Biotechnology Information. 2010; 24(2): 7-71.

18. Mohammadi Laini M, Afzali M, Gholami S. A review of the advantages and disadvantages of human cloning. Journal of Mazandaran University of Medical Sciences. 2017; 27(148): 176-186. [Persian]

19. Mameli M. Reproductive cloning, genetic engineering and the autonomy of the child: The moral agent and the open future. Journal of Medical Ethics. 2007; 33(2): 87-93.

20. Martinez B. Watch: Scientists clone monkeys using technique that created Dolly the sheep. Journal of WTIC-TV. 2018; 88(14): 1-3.

21. Peter JR. Genetics: A Molecular Approach. San Francisco, California: Pearson Education; 2005. p.4.

22. Ayala FJ. Cloning humans? Biological, ethical and social considerations. Proceedings of the National Academy of Sciences. 2015; 112(29): 8879-8886.

23. Langlois A. The global governance of human cloning: The case of UNESCO. Palgrave Commun. 2017; 3(19): 1-8.

24. Alidoosti N. Legal and Constitutional Challenges of the Present Age. Qom: Ministry of Legal Publications; 2021. p.189. [Persian]

25. Ale Kajbaf H. Human cloning in international law. Tehran: Agah Danesh Publications; 2012. p.35. [Persian]

26. Saadat Jo M, Ghasemzadeh Zawi SM, Niknejad J. Human cloning in light of the perspective of Islamic jurists. Journal of Economic Jurisprudence Studies. 2023; 5(5): 117-130. [Persian]

27. Shahidi SM. Collection of legal articles - civil law, commercial law, criminal law, private international law. Tehran: Majd Publications; 2006. p.117. [Persian]

28. Emami A, Safaei SH. Family Law - Kinship and Ancestry and Its Effects. Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute; 1997. p.101. [Persian]

29. Edwards R, Gilies V, Mccarthy JR. Biological parents and social families: Legal discourses and everyday understandings of the position of step-parents. International Journal of Law, Policy and the Family. 1999; 13(1): 78-105.

30. Neimann M. Humans, rights and twenty-first century technologies. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Library; 2011. p.58.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

31. Allah Gholizadeh L, Rahmani A. The legal status of artificial insemination. Medical Legal Quarterly. 2008; 2(7): 105-127. [Persian]

32. Shahid Sani Z. Al-Rawdha al-Bahiya in the commentary of al-Lama' al-Damascus. Translated by Masjeed Sarai H. Tehran: Majd Publications; 2001. p.431. [Persian]

33. Jawaheri H. Authenticity and Copying in Contemporary Jurisprudential Readings. Beirut: Al-Tibb al-Hadith Press; 2002. p.188. [Arabic]

34. Makarem Shirazi N. New Inquiries. Qom: Publications of the Imam Ali ibn Abi Talib (AS) School; 2002. p.85-86. [Persian]

35. Makarem Shirazi N. Important Problems of Artificial Insemination Qom: Imam Ali ibn Abi Talib (AS) School Publications; 2015. p.80. [Persian]

36. Tabrizi C. Sarat al-Najah fi al-Jawaba fi Istiftaat, Qom: School of Hazrat Ayatollah al-Uzma Tabrizi; 1997. p.394. [Arabic]

37. Shiravi A. Family Law - Marriage, Divorce and Children. Tehran: Samt Publications; 2017. p.288. [Persian]

38. Siahoui Ameri M, Asgari A, Ahmadi Esfahani SM, Moradkhani A. A jurisprudential study of lineage and its legal implications in human cloning. Journal of Jurisprudential and Philosophical Studies. 2016; 7(28): 145-166. [Persian]

39. Haeri Mehrjerdi A. Collection of Fatwas. Qom: Dar al-Fikr Publications; 2016. p.229. [Persian]

40. Hosseini Zanjani A. Istifa'at. Zanjan: Qalam Mehr Publications; 2019. p.215. [Persian]

41. Momen M. Simulation - A New Exploration in Islamic Jurisprudence. Tehran: Andishmand Publications; 2006. p.111. [Persian]

42. Izadi Fard A, Pirehi Hajikola A, Kavyar H. A jurisprudential study of the status of lineage in human cloning. Journal of Comparative Law Research. 2010; 14(2): 29-55. [Persian]

43. Hosseini Shirazi SM. Encyclopedia of Jurisprudence. Qom: Dar al-Ilm Publications; 2010. p.55. [Arabic]

44. Marefat MH. A new exploration in jurisprudence. Jurisprudence Quarterly. 2005; 12(46): 23-31. [Persian]

45. Shams-e-Din MM. Al-Bashar reproduction is definitely and definitely illegal - reproduction between Islam and the Messiah. Beirut: Dar al-Fakr al-Lebanani; 1999. p.84. [Arabic]

46. Tavakoli A. Inheritance Rules in Iranian Law. Tehran: Qanun Yar Publications; 2020. Vol.3 p.214-216. [Persian]

47. Katouzian N. Introductory Course in Civil Law - Inheritance. Tehran: Mizan Publications; 2021. p.48. [Persian]

48. Bayat F. Comprehensive Explanation of Civil Law. Tehran: Arshad Publications; 2023. p.201. [Persian]

49. Tourette Y. Genetic Engineering and Biotechnology. Translated by Mohammadabadi M. Kerman: Bahonar University Press; 2019. p.59. [Persian]

50. Abolhasani R. Practical Guide to Artificial Insemination. Tehran: Rangineh Publications; 2022. p.15. [Persian]

51. Nayebzadeh A. Artificial Insemination. Tehran: Majd Publications; 2013. p.61. [Persian]

52. Elsan M. The foundations of the prohibition of human cloning. Scientific Journal of Jurisprudential Research. 2007; 6(11): 299-320. [Persian]

53. Eslami M. Social and Scientific Challenges of Simulation. Tehran: Sadr Publications; 2016. p.29, 71. [Persian]

54. Mohammadi Nasab A. Human cloning and ethical standards for human subjects. Iranian Medical Ethics and History Publications; 2019. p.88. [Persian]

55. Soltanieh M. Embryo donation. Tehran: Majd Publications; 2016. p.74. [Persian]

56. Eslami SH. Human cloning from an Islamic perspective and Imami jurisprudence. Tehran: Antasarat Islamic Sciences Publishing Center; 2015. p.34-37.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-16]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.